



## درس نهم: بعد سیاسی هویت ایرانی

- ❖ آیا می توانید چند نوع نظام سیاسی را نام ببرید؟ آیا می دانید جوامع از نظر هویت سیاسی چه انواعی دارند؟
- ❖ به نظر شما، هویت سیاسی و هویت فرهنگی یک جامعه چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ آیا هر نوع هویت سیاسی با هر نوع هویت فرهنگی سازگار است؟
- ❖ **ابعاد مختلف هویت یک جامعه از یکدیگر جدا نیستند بنابراین هویت سیاسی هر جامعه با هویت فرهنگی آن تناسب دارد.**
- ❖ چه نوع نظام سیاسی با هویت فرهنگی جامعه ما تناسب دارد؟

❖ جامعه علاوه بر **هویت فرهنگی** از **هویت سیاسی** نیز برخوردار است؛ یعنی در معرفی یک جامعه به ویژگی های سیاسی آن جامعه نیز اشاره می شود.

نوع نظام سیاسی یکی از این ویژگی هاست. در واقع، جوامع با پذیرش نظام های سیاسی متفاوت، هویت های سیاسی متنوعی پیدا می کنند.

# آشنایی با مفاهیم اصلی هویت سیاسی:

تعریف/ویژگی/نکات مهم	مفاهیم سیاسی
موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می دهد، کنشگری قدرتمند است، که دو نوع قدرت دارد؛ <b>قدرت فردی و قدرت اجتماعی</b>	قدرت
قدرت فردی انسان <b>محدود</b> است. او نمی تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برطرف کند و برای رفع برخی نیازهایش به کمک دیگران احتیاج دارد.	قدرت فردی انسان
هنگامی که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و اراده و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد، قدرت اجتماعی پیدا می شود. کسانی که توان <b>تأثیرگذاری بیشتری</b> بر اراده دیگران دارند، از <b>قدرت اجتماعی بیشتری</b> برخوردارند.	قدرت اجتماعی انسان

## ❖ نکته:

قدرت اجتماعی، بدون توافق و پذیرش دیگران پدید نمی آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می شود، عمل کنند. تنها راه تأثیر گذاشتن بر ارادهٔ دیگران و به خدمت گرفتن ایشان، جلب تبعیت آنهاست.

تبعیت دو شکل دارد:

**تبعیت با کراهت؛** تبعیتی است که ناشی از

تهدید و ترس باشد؛

**تبعیت با رضایت؛** تبعیتی است که با رضایت و

میل درونی همراه است.

تعریف / ویژگی / نکات مهم	مفاهیم سیاسی
<p>قدرتی که <b>بدون استفاده</b> از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می آید، دارای مقبولیت است. مدار مقبولیت، خواست و ارادهٔ کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می شود.</p>	مقبولیت
<p>قدرتی که براساس شریعت و موافق حکم خداوند است، مشروعیت دارد. مدار مشروعیت، <b>حق و باطل</b> بودن است.</p>	مشروعیت
<p>قدرت اگر مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت. هنگامی که قدرت برخلاف قانون الهی باشد اما تبعیت از آن با رضایت صورت گیرد. مقبول ولی <b>غیرمشروع</b> است. در یک جامعهٔ دینی، قدرت نامشروع نمی تواند مقبولیت لازم را به دست آورد.</p>	ارتباط بین مشروعیت و مقبولیت

## تعریف / ویژگی / نکات مهم

## مفاهیم سیاسی

هرگاه قدرت اجتماعی برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد، سیاست پدید می آید. پس، سیاست اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدف است.

سیاست

هر جامعه، آرمان ها و ارزش های ویژه ای دارد و نمی تواند بدون سیاستی مناسب، به آرمان ها و ارزش های خود دست یابد. **مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست های جامعه وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می دهد.**

نظام سیاسی

# جوامع با پذیرش نظام های سیاسی متفاوت هویت های سیاسی متنوعی پیدا می کنند.

				
انگلستان	جمهوری آرژانتین	جمهوری اسلامی ایران	جمهوری دموکراتیک کنگو	عربستان سعودی
شعار ملی: خدا و حق من	شعار ملی: یکپارچگی و آزادی	شعار ملی: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی	شعار ملی: دادگری، آشتی، کار	شعار ملی: لا اله الا الله محمد رسول الله
سرود ملی: خدا ملکه را نگاه بدارد	سرود ملی: ای میرندگان، بانگ مقدس را بشنوید آزادی، آزادی، آزادی	سرود ملی: سر زد از افق مهر خاوران	سرود ملی: به پا خیز ای کنگویی	سرود ملی: سلام سلطنتی
نوع حکومت: مشروطه سلطنتی	نوع حکومت: جمهوری فدرال	نوع حکومت: جمهوری اسلامی	نوع حکومت: جمهوری دموکراتیک	نوع حکومت: پادشاهی مطلقه

دسته بندی نظام های سیاسی:

## بر اساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم گیرنده

نظام هایی که در آنها **یک فرد** حاکم است و تصمیم می گیرد؛  
نظام هایی که در آنها **اقلیتی** تصمیم گیرنده است؛  
نظام هایی که در آنها **اکثریت** مردم در سرنوشت سیاسی خود  
تأثیرگذارند.

## بر اساس روش تصمیم گیری:

نظام هایی که در آنها حاکم یا حاکمان براساس **اهداف** و **اغراض** و  
امیال خود تصمیم می گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود  
جایز می دانند.  
نظام هایی که در آنها حاکم یا حاکمان براساس **حقیقت** و **فضیلت** و  
با توجه به موازین **عقلی** تصمیم می گیرند.



# ملاک دسته بندی نظام های سیاسی از دیدگاه ارسطو:

ارسطو از این **دو ملاک** برای دسته بندی **نظام های سیاسی** استفاده کرده و از **شش نوع** نظام سیاسی نام برده است. در **سه نوع** از این نظام های سیاسی، یک فرد، اقلیت یا اکثریت براساس خواسته ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می کنند و در **سه نوع دیگر**، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر حقیقت و فضیلت استوار است.

بر اساس خواست و میل حاکم	بر اساس حقیقت و فضیلت	روش حکومت تعداد حاکمان
استبدادی	مونارشی	فرد
الیگارشی	آریستوکراسی	اقلیت
دموکراسی	جمهوری	اکثریت



اُلّیگارشی حکومت  
اقلیتی از سرمایه داران  
است که در برابر  
اکثریت مردم مسئول  
نیستند و قدرت را در  
جهت منافع خود  
به کار می گیرند



آریستوکراسی حکومت  
نخبگانی است که  
از امتیازات طبقاتی  
برخوردار بوده اند.



حکومت پاپ بر واتیکان و  
کلیسای جهانی  
کاتولیک از جمله حکومتهای  
مونارشی  
دانسته شده است.

ملاک دسته بندی نظام های سیاسی از دیدگاه **فارابی**:

ملاک دین مداری یا دنیا مداری نظام سیاسی را نیز در نظر می گیرد.

نظام سیاسی دینی و دین مدار بر اساس احکام و قوانین الهی سازمان می یابد.

نظام سیاسی دنیوی و دنیا مدار فقط به ارزش ها و آرمان های دنیوی و این جهانی توجه می کند.

**نکته:** در دسته بندی فارابی از نظام سیاسی، **مدینه فاضله** جامعه ای است که براساس قوانین الهی شکل می گیرد. سایر جوامع، جوامع **جاهله** هستند که آرمان ها و ارزش هایشان الهی و عقلانی نیست جوامع جاهله به اقسامی تقسیم می شوند.

# تفاوت های میان نظام سیاسی لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی:

**نکته:** تناسب هویت سیاسی جامعه با هویت فرهنگی جامعه

جمهوری اسلامی	لیبرال دموکراسی
<p>جمهوری اسلامی نوع دیگری از نظام سیاسی است که در برخی جوامع اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. <b>عنوان جمهوری</b> در این ترکیب به این معناست که مردم جامعه، خود سرنوشت سیاسی شان را تعیین می کنند. <b>کلمه اسلامی</b> نیز نشان دهنده این است که این نظام سیاسی بر اساس عقاید و ارزش های اسلامی شکل می گیرد و مردم در این نظام در چارچوب عقاید و <b>ارزش های اسلامی</b> به فعالیت سیاسی می پردازند. در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست اکثریت مردم وضع نمی شوند بلکه بر اساس احکام الهی و اسلامی تعیین می گردند.</p>	<p><b>لیبرالیسم</b> به معنای مباح دانستن همه امور برای انسان ها و <b>دموکراسی</b> به معنای حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل خودشان است بنابراین، <b>لیبرال دموکراسی</b> نوعی نظام سیاسی است که ادعا میکند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می یابد، هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی شناسد و همچنین، حکومتی دنیامدار است. <b>این نظام سیاسی فقط مقبولیت دارد و نمی توان از مشروعیت آن سخن گفت.</b></p>

# نکات مهم نظام سیاسی لیبرال دموکراسی:

این نظام سیاسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد و آزادی را مهم ترین ارزش اجتماعی می داند، سازگار است. ثبات، توسعه، رفاه، سلطه بر طبیعت و جهان از دیگر ارزش های مهم در این نظام سیاسی هستند.

اما اگر لیبرال دموکراسی حکومت اکثریت مردم براساس خواسته هایشان است، نارضایتی مردم از این نظام سیاسی و اعتراضاتی که درون این نظام شکل می گیرد را چگونه می توان تحلیل و تبیین کرد؟ چرا برخی مردم، حقیقت و عدالت را از آزادی مهم تر می دانند و خواست و اراده الهی را به خواسته های خود ترجیح می دهند؟ لیبرال دموکراسی پاسخی برای این سؤالات ندارد. دانشمندان علوم سیاسی از این تناقض؛ یعنی نارضایتی مردم از نظام های سیاسی لیبرال دموکراسی با عنوان **پارادوکس دموکراسی** یاد کرده اند.

## نکات مهم نظام سیاسی جمهوری اسلامی:

عدالت، استقلال، آزادی، نفی وابستگی، نفی تسلط بیگانگان بر امت اسلامی، امنیت، تأمین اجتماعی، عمران و آبادانی، مشورت و مشارکت در امور عمومی و ارتقای معرفت و آگاهی از جمله ارزش های نظام سیاسی جمهوری اسلامی، هستند.

امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرت های غیرالهی خودداری کند و در شکل گیری امامت و ولایت الهی براساس موازین و ارزش های اسلامی هوشمند و فعال باشد. نظام سیاسی نیز باید متناسب با ارزش ها عمل کند و مردم را در تحقق این اهداف یاری نماید.

در نگاه اسلامی، ارزش‌ها اهمیت الهی و دینی دارند؛ بنابراین، دستیابی به آنها وظیفه‌ای الهی است و نه تنها منجر به بهبود زندگی اجتماعی می‌شود، بلکه مانند سایر عبادات، موجب تقرّب انسان به خداوند نیز می‌شود. عبادات هنگامی که بُعد اجتماعی وسیع‌تری پیدا میکنند، ارزش بیشتری می‌یابند. به علاوه در آموزه‌های اسلامی از مسئولیت متقابل نظام سیاسی و مردم سخن گفته شده است.



## مقایسه کنید:

حضور **مردم** در یک حکومت لیبرال دموکراسی تفاوتی با حضور مردم در جمهوری اسلامی دارد.

حضور مردم در نظام سیاسی **جمهوری اسلامی** بر مدار عقاید و ارزشهای اسلامی است.

حضور مردم در نظام سیاسی **لیبرال دموکراسی** بر اساس میل و خواست خودشان است.

## بدانیم

جامعه شناسی، سلطه ای را که با استفاده از ابزارهای فرهنگی اعمال شود، **هژمونی** می نامد.

در سلطه هژمونیک از روش ها و ابزارهایی مانند هنر، رسانه، علم و نظام آموزشی برای غلبه و سیطره بر سایر جوامع استفاده می شود. اسلام هراسی و ترسیم چهره ای خشن از اسلام و مسلمانان از حربه های غرب برای بسط سلطه خود بر جهان در روزگار ماست.



# پایان

# موفق باشید

مدرس: آزیتا بیدقی